

جایگاه رمز و تمثیل

در آثار شیخ اشراق

اشاره

آشنایی با معن کهن، بانی است به سوی دنیایی بس شگرف و شگفت. در میان این نوشتارهای برجسته، آثار ذوقی اش‌یخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی که به قلم وی به جای مانده است، توجه هر قریحه‌ای را به خویش معطوف می‌دارد. از آن جا که بیان وی رمزگونه است، برای وصل شدن به آن باید در ابتدا آشنایی مختصری با فرهنگ رموز شیخ و شیوهی نگارش او پیدا کرد. این امر، نگارنده را بر آن داشت که طی مقاله‌ای موجز، پلی بسازد برای آشنایی و آشن دوستداران آثار شیخ با قلم رمزواره اش. امید است این مقاله پشجودای شود به سوی مطالعات عمیق‌تر و مکاشفات دقیق‌تر خواننده؛ اگرچه در بای رمز آن قدر عمیق است که می‌تواند تاویل هر مفسر آگاهی را برتابد، اما در هر صورت احداث نای تاویل، بدون دانستن اسلوب آن ممکن نیست.

مقدمه

آنچه از دیرباز در میان عرفا و ادبا و سالکان طریق مطرح بوده، توجه به بُعد روحانی و آسمانی وجود انسان بوده است. در صورت پرورش و تقویت این بُعد، انسان ناتوان دارای چنان قدرت و عظمتی می‌شود که قدرت‌های ظاهری در برابر آن هیچ خواهند بود. آنچه بشر امروز بیش از همیشه بدان نیاز دارد، برگرداندن مسیر علاقه‌ها به تعلقات معنوی و جاودان است. در میان متون عرفانی فلسفی کهن، آثار رمزی شیخ اشراق و حکایات عرفانی وی، چون زهره‌ای بی‌ینیل در آسمان معرفت، تابندگی خویش را به رخ نشنگان

حقیقت می‌کشد و اما برای برقراری ارتباط با این ستاره‌ی درخشانده‌ی جهان معنا، با زبان و تفکر ابتدایی و ناآزموده نمی‌توان موفقیتی کسب کرد. لاجرم نیاز به وجود پلی ارتباطی بین مخاطب فعلی با سهروردی متعلق به گذشته احساس می‌شود. با مطالعه و بررسی آثار شارحان و منتقدان آثار سهروردی به این نتیجه رسیدیم که آن‌ها در بین مطالبی که به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، گاه و بی‌گاه از رموز به کار رفته در آثار شیخ نیز سخن رانده‌اند، ولی به طور مستقل کمتر به آن پرداخته‌اند.

برای مثال کتاب «رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی» که تحلیلی قیاسی از آثار رمزی سهروردی و این سینه‌است، به تبیین معنای رمز و سبیل در ابتدای امر و سپس به بررسی رموزی که در آثار سهروردی و این سینه به صورت مشترک یا متصل وارد شده‌اند می‌پردازد. البته بیان این معرفی رموز، شرح‌هایی گاه طولیل، از زبان ناقلان دیگر و متون دیگر مطرح می‌کند که خواننده را به توفیق طولانی در یک مقطع وامی‌دارد. کتاب «شرح قصه‌ی عربی طریقی» به بررسی معناداری این حکایات به طور مفصل پرداخته و تحقیقی خوب و نسبتاً کامل از این قصه به خواننده ارائه داده، اما باز بحث توقف‌های طولانی در این جا هم مطرح است که تا حدودی در این کتاب لازم به نظر می‌آید.

کتاب «آواز راز» که حجم کمی دارد، تنها به بیانویسی و روان‌ترکردن متن در حد گنجایش آن پرداخته است. و اثر مفیدی که در این زمینه نوشته شده، «شرح رسائل فارسی سهروردی» است که متن حکایات سهروردی، همراه با سبب رموز و استعارات که

سهروردی حکمة الاشراق خود را احیای رمزگشایی حکمت باستان می‌داند و معتقد است که شیوه‌ی افلاطون و حکمای پیشین او، مانند هرمس و انبیا فلس یا فیثاغورس و دیگران رمزگویی بوده است

دکتر محمد باجمالی
و اعظم نجفی

معنای باطنی کلام است که تحت کلام ظاهری نمی‌گنجد و تنها
اهل معنا می‌توانند به آن دست یابند. در زبان فارسی به معنای
اشاره، راز، رمز و ابهام، نکته، علامت و اشاره کردن است [همان،
ص ۴].

رمز در قرآن یک بار آمده است: «اقال رب اجعل لی آیه
قال ای تک الا تکلم الناس ثلاثة ایام الا رمزا» زکریا گفت:
خدایتان! نشانی بخش مرا. جواب داد وی را که نشانی تو آن
است که سخن نگویی با مردمان سه روز؛ مگر با همسر و اشارتی
[سوره ی آل عمران / ۴۱].

۱- تفاوت رمز و تمثیل

باتوجه به تعریف رمز که گذشت رمز معنایی باطنی است
که تحت یک کلام ظاهری مدهون شده باشد و کسی به شناسایی
آن موفق می‌شود که اهل معنا باشد. هاتری کریپن، اندیشمند
شرق شناس و عرفان پژوه بزرگ فرانسوی در این باره معتقد است
که «رمز» برخلاف «تمثیل» بیانگر معنایی است که جز به زبان
رمزی بیان شدنی نیست و ساختنی دارد که موجب جا به جایی
ذهن از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر می‌شود. بنابراین، نباید یک اثر
رمزی را اشتباهاً تمثیلی نامید. این خطایی است که عموماً در
بیان آثار رمزی شیخ اشراق مشاهده می‌گردد. یعنی از واژه‌های
تمثیلی، استعاری و مجازی، به جای رمز استفاده می‌شود که
این امر سبب تشویش معنای رمز به معنای تمثیل می‌گردد
[اسدیور، ۱۳۸۷: ۱۱].

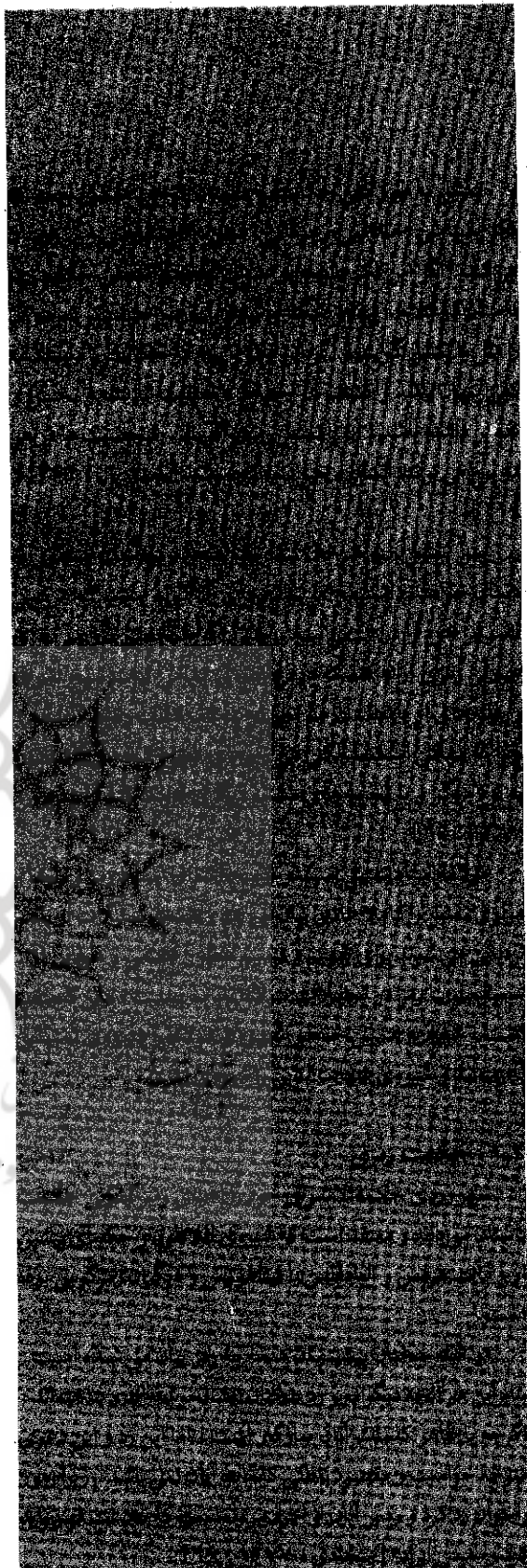
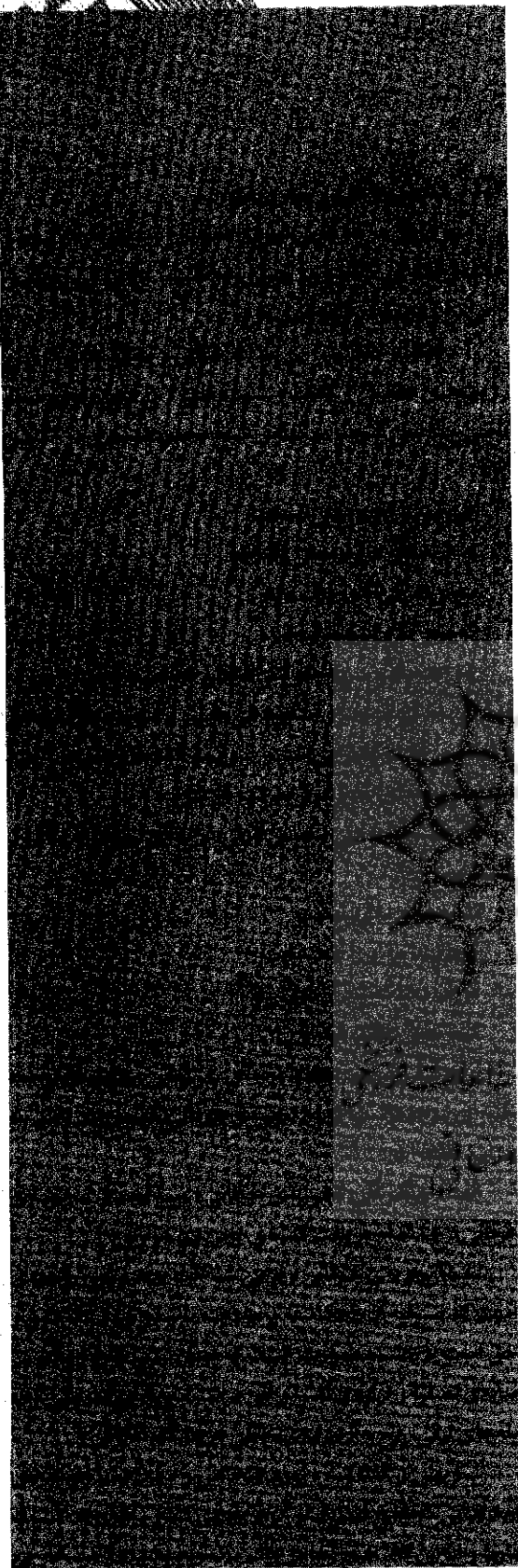
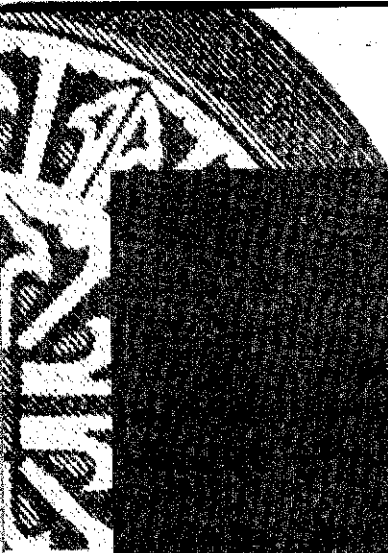
به دنبال هر حکایت می‌آید. مطالب این کتاب را تشکیل می‌دهند.
برای تسلط بر رموز معنایی سهروردی، مطالعه‌ی آن لازم به نظر
می‌آید و البته تطویل کلام، بازهم در کار مخاطب عاجول و محقق
امروزی گره ایجاد می‌کند.

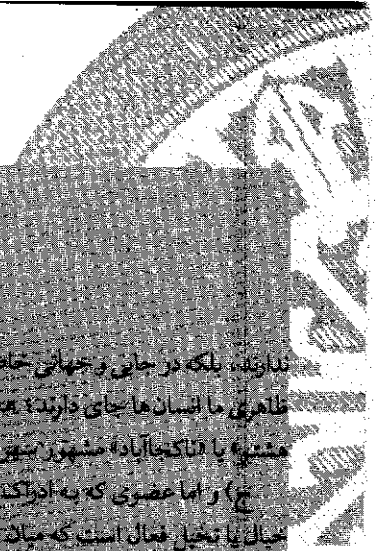
اما آنچه این مقاله درصدد ارائه‌ی آن است، در قسمت اول،
تبیین معنای رمزی و تفاوت آن با تمثیل و نشانه و سپس بیان جایگاه
رمز و منظر سهروردی و دلایل رمزگویی وی است که به طور اجمال
بطرح خواهد شد. در قسمت دوم، بررسی موردی رموز موجود در
آثار سهروردی در حد نیاز و حوصله‌ی مقاله خواهد آمد. قسمت
سوم، بیانگر محتوای رساله‌های رمزی سهروردی و قسمت پایانی،
شامل رموز کوتاه یا نینیس کوتاه و کاربرد آن است. نگارنده بر آن
است که راهی کوتاه و سهل الوصول برای ورود به خرم بی‌انتهای
حکمت‌ها و حکایت‌های سهروردی ارائه دهد؛ حکایت‌های مردی
که در جاده‌ی زمانی کوتاه‌ای که طی کرد، ایستگاه‌هایی از ادب و
فلسفه ساخت که مدت‌ها اقامت و تأمل در آن‌ها، به هر مسافر
مشکوری توصیه می‌شود.

۱. تعریف رمز

رمز، چیزی است که متعلق به جهان ناشناخته و غیرمحسوس
باشد، یا مفهومی است که جز به معنای مستقیم خویش اشاره
می‌کند، به شرط آن که این اشاره متنی بر قرار داده نباشد و آن مفهوم
تیز بگانه معنای آن کلمه نباشد [نامداریان، ۱۳۶۴: ۱۲].

در آثار متعلق به منصوفه، رمز را این گونه معنا می‌کند: رمز و





ندارند، بلکه در جانی و جهانی خاص، و به قور از دسترس خوانس
ظاهری ما انسان ها جای دارند؛ میان تعبیر معالم مثال، «الفلم
مشهور» یا «تاکجا آباد» مشهور سروردهی.

ج) و اما عضوی که به ادراک تجربه ای عرفانی ناقل می آید،
عقل یا تخیل فعال است که میان عقل و وهم قرار گرفته است؛
اگر از عقل الهام گیرد، مقامش از همیشه فراز رود و اگر از وهم
تأثیر جوید، به سرله ای ترویج شود شیطانی حقیقت است. (سهروردی،
۱۳۸۷: ۱۶۹)

با ذکر این مقدمه ی کوتاه؛ شاید بتوان به علت رمزپردازی
سهروردی پی برد. در این زمینه، چهار انگیزه و علت را می توان
در نظر گرفت.

۱. آرایش گنجان و زیبنازی کلام و شاعرانه ساختن مفاهیم.
۲. کمک به افزایش بلاغت و ظرافت کلام. سهروردی از همین سروری عظیم که در بعضی واژه ها نهفته است و با خود معنی
مهمی ساطیری و سستی را همراه دارد، که آرایش سروری بلاغت
خوبش بهره ها جسته است و همین مسئله باعث رفع لغزش و
مضیق و زبان ظاهر در بیان عرفانی می تواند باشد.
۳. ایجاد جذابیت روحانی و معنوی برای پیچ برساند و
مشغول ساختن آنان، تردیدی نداریم که الفاظ طریقه و دلکش
چون: «نور استنهد، هورجنس، انوار عینیه، تلخ حیره، نور
بورانی، سفیر صبح، ده پیر، فرزند بصیرت آفرینش، تا که جانان
و مرغان ساحل دریای سبز» که حتی امروز جهان و دل خواننده ی
آثار شهاب الدین را مسحور می کند و روح لطیف انسانی را ببالا می
می برد، در آن روزگار صدها مرید و شیفته و شیدا برای خود
دست و پا کرده اند.

۴. رمزپردازی از ذوق و طبع لطیف و تخیل نامحدود و
تجربیم شکست انگیز مثل اصله سبزه، او که هر آن واحدی از زبانی
و توان لفظی خود گوش نوازی و دلبری می کند و همان هم معنی و
معنوی بزرگ و عمیق را زیر نقاب دارد؛ عجم و ناله سهروردی،
محتاج گونه ای هم اقر وجودی است، زبان رمز، زبان معانی است،
برخلاف زبان عبادت که تفسیر و تفسیری از معانی و مفاهیم معمولی
است. در رمز، امر در سطحی غیر عینی تعالین داده می شود.

شمس الدین سهروردی، شیخ اندیشه های سهروردی،
شاهیت اندیشه های سهروردی را متوقف بر رمزشناسی و معرفت
عینی می داند. جمله ای به یادماندنی از سهروردی را همیشه به

خاطر بسازید.
الاجتلاف عبارات و قورانه بازی نگیند که در روز و سطره
هنگامی که مردمان در پیشگاه خداوند حضور می یابند، از هر هزار
تن، نهصد و نود و نه تن کشتی عبارتند و درج شمسیر انبیا است
آفاقانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰۵]

ادبیات عارفانه رمزی است. چون در پی بیان تجربه های است
که در سطحی فراتر از سطح تجربه های معمول قرار دارند، جای
ببرد به این بازی بازی نمود و عارف تصویر تجربی حقیقی را با
باز بازی می کند. پس یکی شیخیت ادبیات و رمز عرفانی باید
به درک و دریافت معانی نهفته در پس رمز ناقل بود. به تعبیر گوهار
میوانی موجود رمز عبارت است از وجود همان چیزی که رمز آن را
بیان می کند. (همان، ص ۱۱۰۵)

۱-۱-۱ تحلیل و تامل کلید رمز شناسی
داستان های رمزی شیخ اشراق در نگاه اول، مبهم و نامفهوم
به نظر می رسند، چرا که اگر از عالم مثال او دور شویم و از پذیرش
بهره های عرفانی او در حقیقت نگاه خودداری کنیم و با مکان
منازعی سعی که از در آن با تخیل انبیا خویش به سر می برداریم
نگاه داشته باشیم، گشودن رازها و رمزها و پی بردن از ظاهر به باطن و
حقیقتی که سهروردی در صدد بیان آن بوده است، ممکن نیست.
سهروردی حکمت هایش را به زبانی اولی شخص نقل می کند و
بوضوح و تفسیری هم ذکر نمی کند. در واقع مخاطب او هر دو وجهی
اولی نفس خود است.

اما تامل که به مفهوم بازگرداندن بین به اصل و حقیقت آن
یعنی تبدیل شدن به همان تجربه ای عرفانی یا تفسیری معنویت و
رمز بر است، تنها راه برای کشف رازهای سهروردی به شمار
می رود. در تخیل عجمی مسئله اندیشه ای را به عنوان راز باطن
معنی به اختیار خود در دل این حوزی می دهد، ولی هر یک اثر رمزی
اندیشه ای تا زمانی از پیش تعیین شده به اختیار نویسنده در کنار
است و هر کس به قدر توان خویش از آن راز بهره های جوید و
بیتاد می شود استنورد. (همان، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

- ۲- مضمون های اصلی داستان های سهروردی
در داستان های شیخ اشراق، عناصری وجود دارند که استلزام
اصولی داستان های او را تشکیل می دهند.

الف) اعتقاد به دو بعدی بودن انسان و این که او مرکب از جسم و روح است و در آغاز هستی خویش، این روح از عالم روحانی به عالم جسمانی مهبوط کرده است.

ب) اشتیاق روح به پیوستن به اصل خود در عالم بالا و حس او در زندان تن و غربت این جهان.

ج) مشغله های حسی و نیازهای جسمانی برای غروب دوباره ی روح به عالم روحانی مانع شده اند.

د) سیر و سلوک ریاضت کشیدن و حکمت ورزیدن برای رفع این موانع و رسیدن به مرگ ارادی.

ه) افراک بی واسطه و حضوری لذت های روحانی و معارف قدسی، پس از رهایی از حواس ظاهری و گشوده شدن چشم باطن و حواس باطنی.

و) سیر در مراتب وجودی و مقامات عرفانی، به مدد راهنمایی و ارشاد فرشته یا پیر.

ز) این سیر و این خط بردن تا وصال موقت به نورالانوار (اشراق) ادامه می یابد و پس از آن روح، لاجرم به غربت زندان حیات جسمانی بازمی گردد تا لحظه ی مرگ جسم فرا رسد و برای همیشه آزاد شود.

۳. بررسی اجمالی برخی رساله های رمزی سهروردی

۱. پرتونامه - شامل یک دوره فلسفه ی الهی است و به طور خلاصه مسائل انسانی فلسفه را مطرح می سازد. در این رساله، از من متفکر به عنوان محور بحث بهره می گیرد تا با روی مسأله ی وجود را ثابت کند؛ همان چیزی که بعدها محور بحث دکارت قرار گرفت. بعد از آن، به شرح قوای نفس و روح مجرد می پردازد و به این وسیله از ادبای اعلامی رسد. این رساله نظام عالم هستی را به روش «مشاء» بیان می کند، ولی با آب و رنگ فلسفه ی اشراقی.

۲. آواز بر جبرئیل - از نام ریشای این رساله، بوی نسیمی روحانی استشمام می شود. داستان کوچک آواز بر جبرئیل این گونه است که شیخ اشراق به خانقاهی می رود که آن را دو درب است؛ یک درب رو به صحرا و بیابان و یک درب به شهر و آبادانی. شیخ از درب شهری وارد می شود و آن را محکم پشت سرش می بندد و به سوی دربی که به سوی صحرا و بیابان بازمی شود، می رود. در بین راه به مردان خوش سیما و کارآزموده ای برمی خورد که الهت و شکوه آن ها وی را سرعوب می سازد. مدتی نزدشان می ماند و

مسائلی از راز آفرینش را مطرح می کند و پرسش های شکست افکن می کند و همه را پاسخ می شود (سجادی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۰).

۳. هیاکل النور - کلمه ی هیاکل آسمانی است و در کتب کهن است. این رساله که شامل هفت هیاکل است ریاضت شده سهروردی را باطنی بدانند، زیرا «اسما فیلیان» نیز از هیاکل هفت گانه نام برده اند. شیخ اشراق کلمه ی هیاکل را در کتاب های دیگر خود به معنای جسم و کالبد انسان به کار برده است. همانند این این اصطلاح به سیارات سبع تعبیر می کنند و در کتاب حکمة الاشراق، کلمه ی هفت مسلک را هم آورده که به قول قطب منظور شیخ، حواس پنج گانه ی ظاهری بوده است، به علاوه ی قوه ی تخیل و قوه ی حافظه؛ بین عالم مثل معانی می سرزد عالم هشتم (همان، ۱۱۲).

۴. الواح عبادیه - کلمه ی الواح به معنای این رساله است، شامل حواس ظاهری و تجزیه ای افراک می شود. فاجده ی امکان اشرف در این رساله بررسی شده است.

۵. رساله الطیر - حکایت چند شکارچی است که برای شکار به صحرا می روند و دام های خود را می گشایند و دامه ی مرغی را تا مرغان را به دام اندازند و... در این رساله شیخ، روش سیر و سلوک را به زبان رمز و لباس حکایت بیان می کند.

۶. روزی با جماعت صوفیان - اصول سیر و سلوک عمیق در این رساله مطرح است که داستان را به این گونه شکل می دهد: شیخ روزی را با گروهی از صوفیانی می گذراند و از هر کس چیزی ایراد می شود. هر کس از زبان مراد خویش سخنی نقل می کند تا اینکه نوبت به شیخ می رسد. وی که در حرفه ی درویشان برآدمه است؛ از زبان نخستین موشد خویش حکایت ها می گوید و پرسش هایی که از موشدش کرده را و پاسخ های آن ها را می گوید که شنیده است بازگو می کند و از این طریق بسیاری اسرار جهان را می شکافد.

۷. در حال طفولیت - مطمئناً نظر شیخ از کلمه ی طفولیت در این رساله، طفولیت و نوبابودن در دانش و سلوک است. اشاره ای جزئی که به دوران کودکی خود دارد. شیخ می گوید که چگونه انوار ملکوتی در دلش تابید و به دانش روی آورد و در این راه رنج ها کشید تا بالاخره آموزگاری یافت و از الهامی قدسی او بهره ها گرفت و به یکسارگی از برکت الهامی او منتقلی شد و دم قدسی او در شیخ دمیده شد، روح کرد و درهای علم نفس به

رویش باز شد.

۸. لغت موران: شیخ به کالد موران درمی آید و صورت و شکل موران را به خود می گیرد و با آن ها هم گام می شود و به روش موران برای به دست آوردن روزی خود به دشت می رود و دشواری های بسیاری را تحمل می کند و مصیبت ها می کشد و همین مور، گاهی آن چنان متجلی به انوار ملکوتی می گردد که رهنمای سلیمان می شود [سجادی، ۱۳۶۳: ۱۱۸].

چون سلیمان کرد با چندین کمال
پیش موران از سر عجز این سؤال
گفت: تو گوی ای ز من آغشته تر
تا کد امین گل به غم سرشته تر
داد آن ساعت جوانش مور تنگ
گفت خشت و آیین در گور تنگ
و آیین خشتی که پیونده به خاک
مقطع گردد همه امید پاک

در این رساله حکایاتی دیگر از زبان حیوانات، حشرات و مرغان آمده است، از جمله: لاک پشت، همدرد بوم و نیز داستان آمدن مرغان نزد سلیمان به جز عدلیت و... که هر یک جنبه ی عرفانی فراوان دارد.

۹. صغیر سیمرغ: این رساله، جنبه های رمزی بسیار و سابقه ی تاریخی عمیقی دارد. سیمرغ که از زمان ایران باستان در ادبیات نقش مؤثری داشته و از آن به عنوان «شاه مرغان» نام برده شده، در ادبیات قدیم و متون مذهبی و ایرانی مورد توجه نبوده است. شاید سیمرغ کتابه از «رب النوع» بزرگی باشد؛ چنان که در «مطبوع الطیر»، عطار اساس کار خودش را بر رسیدن به سیمرغ قرار داده است. و چون مرغان همه طالب و عاشق اویند، پس سمبل الوهیت شده است.

۱۰. بستان القلوب: ظاهراً این رساله در اصفهان نوشته شده، چنان که در مقدمه اش آمده است، این اثر مسائلی از فن منطق و فلسفه ی الهی را مورد بحث قرار داده و به تفسیر معجزات و عوارض عادت پرداخته است.

۱۱. رساله ی بزبان شناخت: شامل سه باب است. در این رساله مسائلی از قبیل اثبات مبدأ المبادی، معرفت نفس و نبوت مورد مطالعه قرار می گیرد.

۱۲. رساله الابراج: شامل توصیه هایی است برای اخوان

تجربید و اهل سیر و سلوک

۱۳. عقل سرخ: رمزی که کم تر به کار برده می شود این، انصاف عقل است که امری مجرد و غیرمادی است، با یک صفت مادی. این رساله از زبان پرندگان سخن می گوید. شیخ، شخصاً به قالب پرندگان درمی آید، در قالب بار... و طبیعتاً در بین بازها به سیر و سیاحت می پردازد و مدت ها با آن ها هم نشین می شود و از شکفتن های روزگار و حوادث آن آگاه می شود و از هم سفران خود چیزها می آموزد و از اسرار کوه «قاف» نیز آگاه می شود.

۱۴. فی حقیقه العشق: از زیباترین رسائلی است که تاکنون در بازارهای عشق نوشته شده اند. شیوه ی نگارش آن بسیار ریا و بلوغ و آراسته به شعرهای پرازنده، و طرز آن «رمزی» است. محور ظاهری داستان، یوسف و زلیخا و یعقوب است، ولی جنبه ی عرفانی و فلسفی محض دارد. یعنی هسته ی رساله، هسته ی فلسفی آمیخته به شیوه ی عرفانی است که با بیان خاص شعری و ادبی، به صورت رمزی بیان شده است. دیدگاه و روح بیان سهروردی در این تمثیل، بیش تر حاکی از جوش عرفانی است و ظاهراً مقصود فلسفی و نه روح آن، کالد رساله را تشکیل می دهد. این رساله با تمثیلات مشابه از قبیل حسن و دل و عیبه که دیگران نوشته اند، قابل قیاس نیست و بسیار قوی است. محور اساسی تمثیل، تجلی صفات سه گانه ی گوهر نخستین (عقل)، یعنی «عشق»، حسن و جزن» در قالب «زلیخا»، یوسف و یعقوب» است. در این تمثیل، حسن و عشق و جزن که منشأ عالم لاهوتی و ناسوتی به شمار می رود، صفات خدا نیستند، بلکه صفات آفریده ی نخستین هستند. این مسأله اگرچه ظاهراً ساده به نظر می رسد، ولی به کمک موارد مشابه می تواند، در بررسی یکی از مشخصات مهم مابعد الطبیعه ی سهروردی قابل توجه باشد. وصول به حسن به مدد عشق و حصول عشق به وساطت جزن (که پسراننده ی دل از اغیار است) امکانپذیر است. نقش جزن در فاجرای شکفتن انگیز سقوط و صعود، از نقش مثبت و فعال مصیبت و گرفتاری در تحصیل استعداد رهایی حکایت می کند و ناگفته نماند است که این نکته، از اسرار مهم حکمت و عرفان و به خصوص حکمت سهروردی محسوب می شود. حاصل کلی رساله، معرفی اساس سلوک و مراتب آن، یعنی معرفت محبت و عشق است [همان، ص ۱۱۵].

گر عشق نبود و غم عشق نبودی

چندین سخن نگر که گفتمی که شنودی؟

مستنداتی که در این باره در دسترس است، نشان می‌دهد که این عملیات در سال ۱۳۵۷ میلادی انجام شده است. در آن زمان، دولت ایران در تلاش بود تا با استفاده از این عملیات، نفوذ غرب را در منطقه خنثی کند. این عملیات در پی اجرای طرحی بود که با نام «عملیات خنثی‌سازی» شناخته می‌شد. در این طرح، دولت ایران با استفاده از نیروهای خود، اقدام به سرنگ کردن بناهای غربی در مناطق مختلف کرد. این عملیات در پی اجرای طرحی بود که با نام «عملیات خنثی‌سازی» شناخته می‌شد. در این طرح، دولت ایران با استفاده از نیروهای خود، اقدام به سرنگ کردن بناهای غربی در مناطق مختلف کرد.

این عملیات در پی اجرای طرحی بود که با نام «عملیات خنثی‌سازی» شناخته می‌شد. در این طرح، دولت ایران با استفاده از نیروهای خود، اقدام به سرنگ کردن بناهای غربی در مناطق مختلف کرد. این عملیات در پی اجرای طرحی بود که با نام «عملیات خنثی‌سازی» شناخته می‌شد. در این طرح، دولت ایران با استفاده از نیروهای خود، اقدام به سرنگ کردن بناهای غربی در مناطق مختلف کرد.

